

محمد نیکویی

آموزش و پرورش چمستان، استان مازندران

تجربه‌های آموزشی

طعمدار کردن پاپ‌گیری

متفق القول، درس ریاضی! را در این محل قرار دادند. حتی یک مخالف هم در کلاس نبود. به انتظاری که داشتم و آنچه پیش‌بینی کرده بودم، رسیدم. به بچه‌ها گفتم، حالا که ریاضی این قدر تلخ است، بیاید آن را شیرین کنیم. شما برای اینکه بتوانیم ذائقه ریاضی کلاسمن را لاقل قابل تحمل تر کنیم، چه راهکاری دارید؟ راههای زیادی مطرح شد.

اهم نظرات بچه‌ها عبارت بود از:

- تکرار و تمرین؛
- خوب گوش دادن؛
- استفاده از محتوای الکترونیکی؛
- مطالعه بیشتر؛
- دوست داشتن ریاضی!

از بین راه حل‌ها، راه حل آخر جالب‌تر بود. سؤال کردم! شما ریاضی دوست دارید؟ پاسخ همه منفی بود. گفتم به نظر شما چه کار کنیم تا ریاضی کلاسمن دوست داشتنی شود؟ یکی از بچه‌ها گفت ریاضی را به صورت آهنگین بخوانیم. پرسیدم چگونه؟ گفت آن را موزون بخوانیم؛ مثل: شعر سؤالاتش را آهنگین بخوانیم! دیگری گفت: همه تکالیف با ریاضی همراه باشد و درس‌ها رنگ‌بُری ریاضی به خود بگیرد و تحت تأثیر آن قرار بگیرد. دیگری گفت، بهتر است در محل تمرین ریاضی صورت مسئله آن را خرد کنیم. پرسیدم چگونه؟ و گفت، با تبدیل هر مسئله به ریزمسئله تا با حل جزئیات و کنار هم قرار دادن آن‌ها بتوانیم مسائل کلی را حل کنیم. اما

ریاضی است و ساعت علوم نیست!

خوشحال شدم از اینکه توانستم آن کسالت را به تعریکی، هر چند کوچک، تبدیل نمایم. در پاسخ گفتم، کاملاً حق با شمامت و ما ریاضی داریم، اما اگر کمی صبور باشید، حتماً نتایج بهتری نصیب ما می‌شود. بعد از نوشتن طعم‌ها روی شکل زبان گفتم: «بچه‌ها، حالا قصد داریم به جای این مزه‌ها نام درس‌ها را قرار بدیم». هر چند از قبل می‌دانستم نتیجه این تقسیم‌بندی چیست، اما با این حال خواستم از نظر همه دانش‌آموزان استفاده کنم. نخست از نوک زبان که محل مزه شیرینی است استفاده کردم. اکثر بچه‌ها درس‌هایی مانند ورزش و اجتماعی را به این محل اختصاص دادند. نقطه مقابل را که متعلق به انتهای زبان و مزه تلخ بود نشان دادم و خواستم به جای این مزه، درسی را قرار بدهند. همگی در یک اقدام خودجوش و

صبح یکی از روزهای سرد زمستانی در مسیر مدرسه به این می‌اندیشیدم که وقتی وارد کلاس می‌شوم، کارم را با تغییری آغاز کنم. بعد از ورود به کلاس و سلام و احوال پرسی با بچه‌ها و بررسی تکالیف، هنگامی که به دفتر یادداشت نگاه می‌کردم، نکته‌ای نظرم را جلب کرد. بسیاری از مطالب آن دفترچه به تنظیم زمان و شرح فعالیت‌های روزانه‌ام مربوط بود. در پیشتر یادداشت‌هایم، ساعت اول به درس ریاضی اختصاص داشت. ساعتی که به نظر دانش‌آموزان کلاس من که عنوان «کلاس تلاشگران» را یدک می‌کشد، ساعتی کسل‌کننده و بی‌روح و همراه با رخوت است.

به زمستان سرد، کلاس بی‌روح و دانش‌آموزانی فکر کردم که منتظر بودند درس ریاضی را آغاز کنیم. تصمیم گرفتم طراوت بهاری را به شاگردانم در کلاس تلاشگران هدیه کنم. یاد مطلبی از درس علوم افتادم که در آن شکل زبان انسان را کشیده و هر بخش از زبان را به ادراک مزه‌ای خاص اختصاص داده بود. رو به کلاس گفتم: «همه به من توجه کنید.

بچه‌ها فکر کردند قصدم توضیحی درباره درس ریاضی است. همگی با چشمانی بی‌روح مشغول تماشای من در پای تخته کلاس بودند و من امیدوار به افروختن چراغ شوق و امید در چشمان آن‌ها. تصویری بزرگ از زبان را روی تخته کشیدم و به آن‌ها گفتم: «بچه‌ها! همان طور که بهتر از من می‌دانید، هر قسمت از زبان انسان به مزه‌ای خاص اختصاص دارد؛ نوک زبان برای چشیدن شیرینی، نه زبان برای تلخی و دو طرف زبان برای حس شوری و شیرینی است.

برخی با چشمان متوجه به من خیره شده بودند. شاید گمان می‌کردند من جدول برنامه کلاسی را به اشتباہ گرفته‌ام! چون یادآور شدند که الان زنگ



احمدکریمی

آموزش و پژوهش ساوه، استان مرکزی

معرفی کتاب

سواند خواندن؛ آموزش در ک خوانداری

مؤلف: دکتر معصومه نجفی پازکی **چاپ:** اول، ۱۳۹۱ **ناشر:** انتشارات مدرسه

تلفن ناشر: ۰۲۱-۸۸۸۰۰۳۲۴-۹ **قیمت:** ۸۵/۰۰۰ ریال



در عصر اطلاعات، بسیاری از اطلاعات به صورت نوشتاری مبادله می‌شوند. از این‌رو، مهارت در خواندن از نیازهای اصلی دانش‌آموزان در زندگی امروز است. «سواند خواندن» یکی از مهم‌ترین توانایی‌هایی است که دانش‌آموزان در طول دورهٔ یادگیری، در سال‌های اول دبستان کسب می‌کنند. این توانایی در رشد عقلانی، اجتماعی و عاطفی هر کودک نقشی مؤثر دارد و اساس یادگیری او را در سایر موضوعات فراهم می‌کند. منظور از سواند خواندن، تنها مهارت روخوانی نیست، بلکه خواندن، معطوف به درک مطلب متن نوشتاری است. درک متن مستلزم شناخت ارزش‌ها، معانی و مفاهیم کلمه‌ها، عبارت‌ها، جملات و دریافت معنی و مقصود پیامی است که نویسنده با نشانه‌ها و رمزهای کلامی نوشته است. ضعف درک متن، در تمامی درس‌ها نمود خواهد یافت. دانش‌آموز مسئلهٔ ریاضی را می‌خواند، اما درک نمی‌کند که مسئله از او چه خواسته است؛ از این‌رو در حل آن دچار مشکل خواهد شد.

درک خوانداری، آنقدر در توانایی تحصیلی دانش‌آموزان اهمیت دارد که موجب شده است مطالعاتی بین‌المللی در زمینهٔ پیشرفت سواند خواندن (پرلز)^۱ کوکار، در پایهٔ چهارم ابتدایی صورت گیرد و آزمونی با نام «پرلز» به فاصلهٔ هر پنج سال برگزار شود. این آزمون اولین بار در سال ۲۰۰۱ به اجرا درآمد. کشور ایران در سه مطالعهٔ پرلز ۲۰۰۶، ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ شرکت کرده است. نتایج آزمون حاکی از آن است که میانگین کل نمرات دانش‌آموزان ایرانی، بهطور معناداری کمتر از میانگین جهانی است. ایران در پرلز ۲۰۰۱ میان ۳۵ کشور شرکت‌کننده، رتبهٔ ۳۲، در ۲۰۰۶ میان ۴۵ کشور رتبهٔ ۴۰ و در سال ۲۰۱۱ بین ۴۵ کشور، رتبهٔ ۳۸ را به دست آورده است.

نویسندهٔ کتاب «سواند خواندن» سعی کرده است با ارائهٔ مسیری کامل و روشن، در آموزش سطوح بالای فرایند درک خوانداری، موجب تقویت مهارت درک متن را فراهم کند. با توجه به اینکه کتاب برگرفته از مبانی علمی برای تقویت و درک خوانداری و منطبق با فضای کلاس درس است، معلمان به راحتی می‌توانند از آن استفاده کنند.

این کتاب در دو فصل تنظیم شده است:

فصل اول، مبانی نظری و پژوهشی درک خوانداری را ارائه و انگاره سازنده گرایی را به عنوان چارچوب نظری مطالب فصل بعد معرفی کرده است.

در فصل دوم، گام‌های عملی برای تقویت درک خوانداری در قالب ۲۲ جلسهٔ آموزشی تنظیم شده‌اند.

* پی‌نوشت

1. Progress in International Reading Literacy Study (PIRLS)

دانش‌آموز دیگری گفت، بهتر است ریاضی را مانند بازی منج حل کنیم. از او خواستم بیشتر توضیح بدهد.

روش بازی

دانش‌آموز این‌طور شرح داد: ابتدا تعدادی سؤال ریاضی مطرح می‌کنیم و آن‌ها را از ساده به مشکل می‌نویسیم. در کنار خود یک صفحهٔ منج قرار می‌دهیم. وقتی سؤالی را پاسخ دادیم، به تعداد شماره آن سؤال مهره را روی صفحه به جلو حرکت می‌دهیم و همین‌طور بعد از پاسخ به هر سؤال، مهره را روی صفحه منج به سمت جلو می‌بریم، و برعکس هم، اگر جواب ندادیم، به اندازهٔ شماره سؤال به عقب برگشت می‌کنیم. برای مثال، اگر سؤال شماره ۶ را حل کردیم، به اندازهٔ ۶ خانه مهره را به جلو حرکت می‌دهیم.

طرح بدی به نظر نمی‌رسید. حداقل برای یکبار آزمودن در کلاس ارزش کار عملی را داشت. دو نفر از دانش‌آموزان را از طریق رأی‌گیری انتخاب و با تهیهٔ مقدمات مورد نیاز بازی را آغاز کردیم.

بعد از قرعه‌کشی، شروع کننده بازی کارش را آغاز کرد. تاس را انداخت. عدد ۳ آمد. او باید سؤال شماره ۳ را حل می‌کرد. البته سطح سؤالات را طوری انتخاب کردم که مسئلهٔ مدیریت زمان هم حل شود.

نفر مقابل هم با انداختن تاس سؤال خود را انتخاب و مشغول حل کردن آن شد. اگر در انداختن تاس عددی می‌آمد که قبل انتخاب و حل شده بود، این فرصتی می‌شد برای طرف مقابل تا او بتواند با انداختن تاس سؤالی را انتخاب و حل کند. در پایان، هر دانش‌آموزی که می‌توانست زودتر مهره خود را به آخر خط برساند، برنده می‌شد.

هر چند اجرای این روش نواقصی داشت، اما همین قدر که فضای سکون و یکنواختی را در کلاس تغییر داد و جنب و جوش و نشاط را فراهم کرد، خوب بود و دانش‌آموزان را به این نتیجهٔ رساند که ریاضی به خودی خود درسی است مانند سایر درس‌ها، اما آنچه آن را تلحیم می‌کند، ذهنی بودن آن است. اگر بتوانیم تغییری در ذهنیت خود نسبت به این درس ایجاد کنیم، می‌توانیم مواعی را که خودمان ساخته‌ایم از پیش برداریم.